



گفت و گوی نو عروس با چاری اش او را به ادامه زندگی مشترک بدبین کرد درد دل درد سر ساز

زندگی کنم. از مادر شوهر و پدرشوهر و حتی خواهرشوهرم می ترسم. از شوهرم خواستم از آن خانه برویم، ولی قبول نکرد برای همین تصمیم به جدایی گرفتم.
 در پایان قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید، رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

جلوی دخالت بیجای اطرافیان بایستید

سارا شقاقی، روان شناس در این خصوص می گوید: به اعتقاد من زوج ها باید برای حفظ پیوند زناشویی خود، زندگی مشترکشان را مدیریت کنند. این مدیریت مربوط به مسائل و دخالت های اطرافیان هم می شود. یکی از مهم ترین وظایف زنان و مردان در زندگی زناشویی، برقراری روابط متعادل و تعامل درست، میان خانواده ها و همسرشان است. زوج ها باید بدانند رابطه خود را چطور بسازند و ادامه دهند تا اطرافیان و اتفاقات بیرونی نتواند بر روابط آنان تسلط پیدا کنند. بر روابط آنان تسلط پیدا کند یا تأثیر منفی بگذارد. دنیای بیرون، فشارها و سختی ها تأثیر عمیقی بر زندگی مشترک زوج ها می گذارد. در این میان اگر این فشارها و دخالت ها زیاد شد، مشاور خانواده می تواند کمک بزرگی به آنها کند؛ کمکی که باعث می شود تا این دسته افراد بتوانند به تفاهمی پایدار درخصوص حل مسائل و چالش ها دست پیدا کنند. ارتباط با خانواده، دوستان و آشنایان خوب است و توجه به صحبت های آنان گاهی اوقات تأثیر مثبتی هم می گذارد، اما اگر مانعی میان عشق و علاقه زوج ها به یکدیگر ایجاد کند، می تواند مخرب هم باشد. در حال حاضر دخالت اطرافیان در زندگی زوج های جوان و نحوه مواجهه با آنها به یکی از دغدغه ها و چالش های زندگی زوج ها تبدیل شده است. بنابراین بهتر است زوج ها در این گونه شرایط خودشان مدیریت زندگی را به دست بگیرند. آنها می توانند با یک برنامه ریزی منطقی این موضوع را حل کرده و بکوشند از این دخالت ها تأثیر منفی نگیرند، چراکه کوچک ترین تأثیر می تواند زندگی مشترک را به سمت نابودی و حتی طلاق بکشاند.

زن جوان وقتی متوجه دعوای ناتمام جاری اش با خانواده شوهرش شد، از زندگی در باغ مجلل پدرشوهرش ترسید و تصمیم به جدایی گرفت. جنجال زوج جوان در باغ پدری آن قدر زیاد شد که در نهایت هردوی آنها برای جدایی راهی دادگاه خانواده تهران شدند. آنها هفته گذشته دادخواست طلاق را به دادگاه خانواده ارائه کرده اند. وقتی قاضی متوجه شد این زوج فقط ۱۰ ماه است باهم ازدواج کرده اند، علت این دادخواست را پرسید.

مرد جوان بلافاصله رشته کلام را در دست گرفت و ماجرای زندگی اش را این طور روایت کرد: از وقتی با دینا ازدواج کردم، حتی یک روز خوش هم با او نداشتم. از همان روز اولی که تصمیم به ازدواج گرفتیم به دینا گفتم بعد از عروسی باید در باغ پدری ام زندگی کنیم. پدرم یک باغ بزرگ دارد که در آنجا چند واحد ساخته تا من، خواهر و برادرهایم بعد از عروسی همان جا زندگی کنیم. دینا هم مخالفتی نکرد و باهم ازدواج کردیم. اتفاقا دینا خیلی هم راضی بود و جهیزیه اش را با کلی ذوق و شوق در آنجا چید. با پدر و مادر و خواهر و برادر هم اختلافی نداشت. خانواده ام همیشه به او احترام می گذاشتند، اما چند وقت بعد از عروسی همه چیز به هم ریخت. دینا رفتارش تغییر کرد و به یک زن بداخلاق تبدیل شد. از صبح تا شب سرم غرمی زد و به خانواده ام بی احترامی می کرد. باورم نمی شد این همان دینایی است که می شناختم. اوایل حرفی نمی زدم، ولی کم کم رفتارهای دینا آزاردهنده شد. مرتب به دنبال بهانه برای دعوایم بود. حتی با پدر و مادر هم دعوایم کرد، اما آنها به خاطر من حرفی نمی زدند. هرچه با او صحبت کردم، فایده ای نداشت و رفتارش بدتر هم شد. در این مدت چند بار از خانه مان قهر کرد و رفت. دیگر از روی خانواده ام خجالت می کشم. برای همین می خواهم از این زن جدا شوم.

در ادامه همسر این مرد به قاضی گفت: من شوهرم را دوست داشتم و هیچ اختلافی باهم نداشتم. بعد از ازدواج جاری ام مرا از زندگی با خانواده شوهرم ترسانند. او چند سال بود که در آن باغ با خانواده شوهرم زندگی می کرد. برای همین به او اعتماد کردم. اوایل به حرف هایش گوش نمی دادم. از بلایایی که مادرشوهر و پدرشوهرم در این سال ها سرش آورده اند، گفت. به نظرم تمام حرف هایش حقیقت داشت و این زن در زندگی با این خانواده زجرهای زیادی کشیده بود. برای همین اعتمادم را به این خانواده از دست دادم. دلم نمی خواست مثل جاری ام روزهای سخت را تجربه کنم برای همین سعی کردم کاری کنم که مثل او نباشم. من دیگر نمی توانم مثل گذشته در کنار این خانواده

دلایل ناکامی سرقت از طلافروشی ها

این که چرا در این روزها سرقت از طلافروشی ها افزایش پیدا کرده و به خصوص در شهرپور و در کمتر از ۲۴ ساعت دو نقطه هدف سارقان قرار گرفت، پرسشی است که پاسخ های متعددی دارد. سراغ مصطفی رضایی، کارشناس انتظامی رفتیم تا در مورد دلایل افزایش سرقت از طلافروشی ها و چرایی آن بگوید.

❖ چرا این روزها سارقان به بلای جان طلافروش ها تبدیل شده اند؟

طلا به علت این که حجم کم و قیمت بالایی دارد، سارقان را بسیار وسوسه می کند تا به سمت آن بروند. طلافروشی نیز از جمله اماکنی است که به علت حجم بالای نگهداری طلا در معرض آسیب قرار دارد. البته اقدامات خوبی برای افزایش سطح ایمنی طلافروشی ها انجام شده که مهم ترین آنها اتصال به سیستم پلیس، شیشه ضدگلوله و تعیین ساعت مشخص برای فعالیت است. اگر طلافروشی ها استانداردهای تعیین شده را از سوی پلیس رعایت کنند، امکان موفقیت در سرقت کاهش پیدا می کند و باید این الزامات را رعایت کنند.

❖ وضعیت اقتصادی و تورم افسارگسیخته این روزها هم در حمله به طلافروشی ها مؤثر است؟

تغییرات اقتصادی و گرانی در چند سال اخیر و افزایش فشار اقتصادی باعث شده افراد زیادی به سمت ارتکاب سرقت کشیده شوند. از آنجاکه سرقت عادی دیگر جوابگو نیست، فرد پیش خود تصور می کند به سمت دزدی مسلحانه برود و اگر بتواند در یک سرقت هم موفق شود، زندگی اش از این رو به آن رو می شود. برای همین وسوسه می شود یک بار سرقت مسلحانه از طلافروشی را امتحان کند. البته به علت این که تاکنون دست به انجام این سرقت نزده است، همان بار اول با شکست مواجه می شود.

❖ چرا اغلب سرقت از طلافروشی ها با شکست مواجه می شود؟

این ناشی از بی تجربگی دزدان و استفاده از تجهیزات ایمنی مناسب توسط طلافروشان است. اگر طلافروشان استانداردهای لازم را مانند ساعت فعالیت، شیشه ضدگلوله، ارتباط با پلیس و ویتترین امن داشته باشند، احتمال سرقت های مسلحانه طلافروشی به صفر می رسد.

❖ بسیاری از سارقان طلافروشی با سلاح گرم سراغ مغازه مورد نظرشان می روند و در موارد زیادی حتی اقدام به تیراندازی هم می کنند. علت این تیراندازی چیست؟

سارقان حرفه ای و سابقه دار مستقیم شلیک نمی کنند و در صورتی که مجبور به استفاده از سلاح شوند با تیر هوایی سعی در ایجاد رعب و وحشت برای فرار می کنند. افرادی که معمولاً در صحنه سرقت بدون هدف شلیک می کنند، سارقان آماتور بوده و حرفه ای نیستند.

